

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده ادبیات فارسی
گروه ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی

**تأثیر جنبه های ادبی مطبوعات بر شکل گیری تحولات
اجتماعی و سیاسی دوره مشروطه (۱۲۸۵-۱۲۹۹)**

استاد راهنما
دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور
دکتر حسین نجفداری

دانشجو

مریم کامیاب

بهمن ماه ۱۳۹۰

فهرست مطالب

چکیده	۵
پیشگفتار	۶
فصل اول: تاریخچه دوران مشروطیت	۱۰
۱. ۱. سیاسی	۱۲
۱. ۲. اجتماعی و اقتصادی	۱۴
۱. ۳. تاریخی	۱۶
فصل دوم: اوضاع ادبی دوران مشروطیت	۲۲
۱. ۲. شعر و نثر	۲۶
۲. ۲. طنز	۳۰
فصل سوم: تاریخچه مطبوعات در زبان فارسی	۳۲
۱. ۳. مطبوعات چیست؟	۳۲
۲. ۳. تاریخچه (سیر تاریخی)	۳۳
۳. ۳. مطبوعات فارسی زبان خارج از ایران	۳۹
۴. ۳. مطبوعات ادبی	۴۲
۵. ۳. مطبوعات طنزی	۴۴
فصل چهارم: آثار و چهره های مهم مطبوعاتی	۴۷
۱. ۴. آثار مطبوعاتی	۴۷
۱. ۱. ۴. ملانصرالدین	۴۸
۲. ۱. ۴. صوراسرافیل	۵۱

۶۰ ۴. ۱. ۳. نسیم شمال
۶۵ ۴. ۲. چهره های مطبوعاتی
۶۶ ۴. ۲. ۱. میرزا جهانگیرخان شیرازی
۶۷ ۴. ۲. ۲. ادیب الممالک فراهانی
۶۸ ۴. ۲. ۳. تقی رفعت
۶۹ ۴. ۲. ۴. میرزاده عشقی
۷۰ ۴. ۲. ۵. عارف قزوینی
۷۱ ۴. ۲. ۶. جعفر خامنه ای
۷۳ ۴. ۲. ۷. سید اشرف الدین حسینی
۷۵ ۴. ۲. ۸. فرخی یزدی
۷۶ ۴. ۲. ۹. بهار
۸۲ ۴. ۲. ۱۰. دهخدا
۸۶ ۴. ۲. ۱۱. ابوالقاسم لاهوتی
۸۸ فصل پنجم: شیوه های تأثیرگذاری مطبوعات در پیشبرد مشروطیت
۹۰ ۵. ۱. اوزان و قوالب گوناگون
۹۴ ۵. ۱. ۱. تصنیف
۹۷ ۵. ۳. زبان طنز
۱۰۰ ۵. ۴. ساده نویسی
۱۰۴ نتیجه گیری
۱۰۷ فهرست منابع و مآخذ

چکیده

ادبیات هر عصری، بازتاب فضای ویژه آن عصر است. فاصله زمانی چهارده ساله بین ۱۲۸۵ و ۱۲۹۹ ه.ش. یعنی از زمان امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار تا سقوط احمد شاه و کودتای رضاخان، دورانی پر از تحول و اتفاق در جامعه ایرانی بوده است. امضای فرمان مشروطه که با رونق روزافزون مجلات و روزنامه‌ها همراه بود، فصل تازه‌ای را در ادبیات ایران گشود. ادبیات این دوره با زبان و قالب و محتوا و مفهومی نو، بستری جدید را برای عرضه شدن به مخاطب خود پیدا کرد. این مخاطب توده مردمی بودند که طبقات میانی و حتی فرودست جامعه را تشکیل می‌دادند که اغلب سواد خواندن و نوشتن را نیز نداشتند و این بستر تعداد کثیر نشریات بود.

این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا جنبه‌های ادبی مطبوعات مشروطه یعنی آن بخش از مطالب که در قالب نظم یا نثر طنزی عرضه شده است، توانسته در بسط مفهوم مشروطیت در بین عوام، پیشبرد انقلاب مشروطه و نزدیک ساختن توده مردم به اهداف این انقلاب نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و اگر پاسخ این سوال مثبت است، اجرای این نقش چگونه و با استفاده از چه ابزارهایی بوده است.

مطبوعات دوره مشروطیت با چاپ اشعار ملی و حماسی روحیه ملی‌گرایی مردم را تهییج می‌کردند و با انتقاد از وضع موجود در قالب طنز، زمینه را برای ابراز نارضایتی مردم فراهم می‌آوردند، مشکلات را نمایش داده و نواقص را تذکر می‌دادند و آن بخش از پشت پرده سیاست و اقتصاد که از چشم مردم عادی پوشیده بود و بر زندگی آنها تأثیر مستقیم داشت را برملا می‌کردند. اعتماد مردم به روزنامه‌ها و مردمی بودن نویسندگان و شعرای آنها بود که موجب می‌شد حرف این روزنامه‌ها بر دل و ضمیر همگان بنشیند. بخش ادبی مطبوعات این دوره با استفاده از قالب و اوزان گوناگون در نظم، انتشار تصانیف و ترانه‌های مردمی، استفاده از زبان طنز در نظم و نثر و بیان مطالب و انتقادات در این لفافه، ساده نویسی و نزدیک کردن زبان نظم و نثر به زبان توده مردم و با عرضه مفاهیم و محتواهای جدید در آثار ادبی که تا پیش از این در ادبیات ایران سابقه نداشت، سهمی بسزا در پیشبرد انقلاب مشروطه داشته‌اند.

انقلاب مشروطه یکی از بزرگترین وقایع تاریخ معاصر ایران و سرآغاز دوره ای جدید در حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان بوده است. در شکل گیری و تداوم مشروطه خواهی، عوامل گوناگون دخالت داشته اند. رفت و آمد عده ای از ایرانیان به اروپا و آشنایی آنها با نهادهای اجتماعی و سیاسی غربی، گسترش صنعت چاپ در ایران و تأسیس روزنامه های متعدد از جمله این عوامل بوده اند. دست اندرکاران و نویسندگان قریب به اتفاق این نشریات، علاوه بر فعالان سیاسی، از اهالی فرهنگ و ادب هم بوده اند و آثار ادبی فراوانی از آنها در مطبوعات آن دوره منتشر شده و به جا مانده است.

بخشی از مطالب مطبوعات دوره مشروطه، اختصاص به تولیدات ادبی اعم از نظم و نثر داشته است. محتوای این آثار که در آنها از زبان مردم کوچه و بازار و سلاح پرقدرت طنز استفاده شده است، انتقاد از اوضاع اجتماعی و نقد حاکمان سیاسی بوده است. استفاده از دو ویژگی نام برده در آثار ادبی مطبوعات این دوره، موجب شد که در گام نخست با زبانی غیر مستقیم، مردم از اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی آگاه شوند و تفکر مشروطه خواهی در میان آنها بسط یابد و در مرحله بعد به جهت انس و علاقه ایرانیان به آثار ادبی و جایگاه آن نزد عوام، عموم مردم با نهضت مشروطه همراه شوند و زمینه حرکت های انقلابی آنها فراهم شود. این پژوهش درصدد آن است که با مطالعه اجمالی از تاریخ دوره مشروطه، همچنین مطالعه مطبوعات این دوره و بررسی بخش های ادبی آنها، تأثیر مطبوعات ادبی را در شکل گیری تحولات اجتماعی و سیاسی عصر مشروطه باز شناسد تا سهم کوچکی در تبیین ادبیات عمومی و کارکرد آن در رخدادهای اجتماعی و سیاسی داشته باشد و زمینه ای برای مطالعات دیگر را در این حوزه فراهم کند.

از آنجا که نهضت مشروطه رخدادی بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است، ریشه یابی دقیق عوامل شکل گیری این نهضت و دلایل بیداری جامعه می تواند در مطالعات تاریخی راهگشا باشد. از سوی دیگر ادبیات معاصر پا را از مرزهای کهن فراتر نهاده و قابلیت کارکرد اجتماعی یافته است به طوری که توانسته مسبب تغییرات شگرفی در هر جامعه ای باشد. برجسته کردن این کارکرد و مطالعه ای دقیق و ریز بینانه برای دریافت مستقیم و غیر مستقیم ارتباط ادبیات و تحولات اجتماعی و سیاسی،

کمک می کند که به مقوله ادبیات و جایگاه آن با نگاهی نو نگریسته شود و از صورت یک رشته تحصیلی محض خارج شود.

پژوهشگر در این پژوهش سه فرضیه زیر را در نظر داشته است:

نخست اینکه آثار ادبی مطبوعات این دوره با زبان طنز و کنایه، بسیاری از ناگفته ها را از اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی مطرح کرده اند که شاید با این صراحت در دیگر نوشته ها و مقالات نمی توانست گفته شود. همچنین عرضه این آثار در مطبوعات سبب شد که مردم گام به گام با شرایط اجتماعی به پیش بروند.

دوم اینکه این آثار به جهت استفاده از زبان مردم کوچه و بازار، توانستند رابطه بهتری با عامه مردم پیدا کنند و به جهت علاقه و انس عموم با آثار ادبی، از تأثیرگذاری فراوانی در همراه کردن مردم با نهضت مشروطه و مشارکت آنها در حرکت های انقلابی برخوردار باشند.

در کنار این دو فرضیه، فرضیه جنبی دیگری نیز مطرح شده است که از کلیت این پژوهش حاصل آمده و آن اینکه در این دوره تجربیاتی نو در ادبیات رخ داد، اما این سبک نوظهور در دوره های بعدی ادامه نیافت. در واقع این سبک متناسب با همان دوره تاریخی و اجتماعی ظهور پیدا کرده و به پایان رسیده است.

تا آنجایی که پژوهشگر پیش از انجام این پژوهش اطلاع حاصل کرده تا کنون هیچ کار مستقلی در زمینه بررسی تأثیرات ادبی مطبوعات مشروطه در شکل گیری تحولات اجتماعی و سیاسی آن دوره صورت نگرفته و پژوهش های انجام شده هم یا در قالب بخشی از کتاب های تاریخ ادبیات ارائه شده و یا اشاراتی در کتب تاریخی و سیاسی شده است و سه گانه ادبیات، مشروطه و مطبوعات بر یک محور و به صورت پژوهش مدار، مورد مطالعه قرار نگرفته است. همچنین نگارنده با مقاله ای که عیناً به موضوع مورد نظر پردازد، برخورد نکرده است.

این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی انجام شده است و دلیل انتخاب آن این است که در زمینه تحقیقات ادبی بسیار پاسخگوست. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت برگه نویسی از متون کتابخانه ای بوده است.

فصل اول این پژوهش اختصاص به بررسی تاریخچه مشروطه دارد. در این فصل پس از توضیحی مختصر درباره مفهوم مشروطیت و عوامل مؤثر در این رخداد، ذیل سه عنوان جداگانه اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تاریخی آن دوره شرح داده شده

است. در بخش تاریخی به صورت اجمالی اتفاقات مهمی که در فاصله زمانی نزدیک به امضای فرمان مشروطیت و در دوره مشروطه رخ داده آورده شده است.

فصل دوم این پژوهش شامل بررسی اوضاع ادبی دوران مشروطیت است. در این فصل پس از تبیین مفهوم و ویژگی های ادبیات مشروطه در دو بخش جداگانه وضعیت نظم و نثر در این دوره و همچنین وضعیت طنز این دوره مورد مطالعه قرار گرفته است. البته بیشتر موارد بیان شده ناظر به مطالب منتشره در مطبوعات بوده است.

تاریخچه مطبوعات در زبان فارسی عنوان فصل سوم را تشکیل داده است. در این فصل به سیر تاریخی مطبوعات پرداخته شده و تطور مطبوعات از انتشار اولین روزنامه ها در ایران آورده شده است. همچنین به صورت کمی و فهرست وار به دوره های مختلف مطبوعاتی عصر مشروطیت اشاره کرده ایم. همچنین مطبوعات فارسی زبان خارج از ایران در پیش از مشروطیت و در این دوره از نظر گذرانیده شده است. سپس در دو بخش جداگانه به معرفی مطبوعات طنزی و مطبوعات ادبی پرداخته شده است.

در فصل چهارم این پژوهش به معرفی آثار و چهره های مهم مطبوعاتی پرداخته ایم. ذیل مبحث آثار مهم سه روزنامه ملانصرالدین، صوراسرافیل و نسیم شمال معرفی شده اند. همچنین در بخش چهره های مهم از یازده نفر از کسانی یاد کرده ایم که یا خود بانیان و مدیران نشریات ادبی بوده اند یا آثارشان را در این نشریات عرضه می کرده اند و یا در هر دو بخش فعالیت می کرده اند. انتخاب این روزنامه ها و افراد با توجه به مطالعاتی بوده که در مسیر این پژوهش صورت گرفته است.

فصل پایانی با عنوان شیوه های تأثیرگذاری مطبوعات در پیشبرد اهداف مشروطیت، ناظر به شیوه ها و ابزارهایی است که ادبیات در مطبوعات از آن سود جست تا به بسط مفهوم مشروطیت میان مردم بپردازد و توده مردم را با انقلاب همراه کند. این شیوه ها که از آنها برای انتقال مفاهیم جدید استفاده شده عبارت از استفاده از اوزان و قوالب گوناگون در آثار منظوم بوده است که تصنیف را نیز شامل می شود، همچنین استفاده از زبان طنز، استفاده از شیوه ساده نویسی و استفاده از کلمات و ضرب المثل ها و اصطلاحات عامیانه نیز بوده است. همه این شیوه ها در بخش هایی جداگانه در این فصل مورد مطالعه قرار گرفته است.

در پایان نیز نتایجی که از این پژوهش حاصل شده به اختصار آورده شده است.

لازم به ذکر است که در این پژوهش در پیشوند نام بسیاری از مطبوعات کلمه «روزنامه» درج شده است، این بدان معنا نیست که جریده مذکور حتماً به صورت روزانه

منتشر می شده است، بلکه به این دلیل که در اکثر قریب به اتفاق منابعی که پژوهشگر از آنها استفاده کرده، عموماً برای همه نشریات از واژه روزنامه استفاده شده است. بنابراین این پژوهش نیز از این روند تبعیت کرده است.

فصل اول:

تاریخچه دوران مشروطیت

کلمه مشروطیت از نظر لغوی به معنای آن چیزی است که مقید به شرط است و از نظر سیاسی به حکومتی گفته می شود که در آن اختیارات قدرت حاکمه محدود است و یا به تعبیری دیگر بازدارنده انباشت قدرت به منظور حفظ حقوق اساسی افراد و گروه هاست. در لغت نامه دهخدا ذیل عنوان مشروطه در بخش حکومت مشروطه نوشته شده: «حکومت مشروطه نوعی حکومت که در آن وضع قوانین به عهده ی مجلس یا مجلسین (شوری - سنا) باشد و دولت مجری آن قوانین محسوب می گردد، مقابل استبداد.» و مشروطه خواه را کسی دانسته که خواهان حکومت قانون و مخالف حکومت فردی و استبدادی باشد.

یکی از بزرگترین وقایعی که در تاریخ ایران روی داده بی شک انقلاب مشروطه است که بر همه شئون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردم تاثیر گذار بود و دگرگونی عمیقی در وضع مردم ایران به وجود آورد. انقلابی که پایه های حکومت استبدادی را نشانه گرفت. عوامل اصلی پیدایش این تحول عظیم تاریخی و جریان آن به اختصار چنین است:

۱. افزایش ارتباط مردم ایران با کشورهای خارج مخصوصاً کشورهایی که حکومت آنها ناشی از اراده مردم بوده و بر اساس قانون اداره می شدند،

۲. تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر و توسعه ی مدارس جدید و اشاعه یافتن افکار نو در میان مردم ایران با ایجاد پست و تلگراف،

۳. مسافرت های پی در پی ناصرالدین و مظفردالدین شاه به اروپا در شرایط نابسامان اقتصادی،

۴. انتشار مطبوعات دولتی و غیردولتی که اخبار ایران و جهان در میان مردم را منتشر می کردند،

۵. وقوع تحولاتی در کشور ترکیه و ژاپن و گسترش اطلاعات مردم درباره انقلاب فرانسه، امریکا و دیگر کشورهای جهان،

۶. توسعه صنعت چاپ و انتشار آثاری از آخوندزاده، طالبوف، حاج زین العابدین مراغه ای، میرزا آقاخان کرمانی، احمد روحی،

۷. بیدار شدن اذهان مردم نسبت به اعمال ناشایست دولت به وسیله وعظ و علمای مذهبی،

۸. تأثیر تعلیمات و اظهار نظرهای آزادی خواهان در مردم،

۹. ضعف و زبونی رجال دولت در مقابل نفوذ بیگانگان به خصوص روس و انگلیس،

۱۰. دریافت وام با بهره های هنگفت از کشورهای خارجی،

۱۱. اعطای امتیازات اقتصادی گوناگون به کشورهای بیگانه،

۱۲. بی توجهی نسبت به خواست عمومی و آزار مخالفان حکومت به دست عین الدوله صدر اعظم

۱۳. و...

از مهم ترین عواملی است که آگاهی ملت ایران را افزایش داده و به عنوان مقدمات بروز جنبش از آنها یاد می شود. همه این عوامل وضعیتی را فراهم آورد تا نظام مشروطیت در ایران پا بگیرد. نظامی که هدف آن محدود و مقید کردن قدرت استبدادی پادشاه، تشکیل مجلس ملی و شکل گیری قانون و فراهم آوردن زمینه نقش آفرینی مردم در سرنوشت خود، ایجاد آزادی، عدالت و ترقی برای مردم و استقلال وطن بود.

«ورود ایران به عصر جدید یا مدرنیته با حرکت و جنبشی آغاز شد که بعدها نام مشروطه به خود گرفت. این حرکت که نطفه آن در دار السلطنه ولیعهد عباس میرزا در تبریز بسته شد، بر بستری از نارضایتی عمومی؛ آشفتگی اقتصادی ناکارآمدی سیاسی و خفتگی فرهنگی شکل گرفت که همراه با شکست های نظامی و خفت های خارجی بود.» (رهبری، ۱۳۷۸: ۱۲)

۱.۱. سیاسی

میان ایران در آستانه ورود به دنیای مدرن با ایران ۲۰۰۰ سال هیچ تفاوتی از لحاظ ماهوی وجود نداشته تنها اگر تغییری مشاهده می شود می توان آن را شکلی و غیر ساختاری دانست در حالیکه ساختارهای سیاسی اقتصادی فرهنگی و اجتماعی ایران طی سال های متوالی در دوران قدیم با تکانه های جدی همچون تغییر مذهب و سلسله های حکومتی مواجه گردید، اما همچنان به گونه ای متصلب و اقتدارگرا که از ویژگی های دوران قدیم محسوب می شود ماهیت خویش را حفظ نمود. (رهبری، ۱۳۷۸: ۱۹)

پیش از آغاز مشروطیت، شاه همان جایگاهی را داشت که سال ها در تاریخ این سرزمین پادشاهان دارا بودند، یعنی قدرت مطلقه دست شاه بود.

شاه به عنوان سایه خدا روی زمین تلقی می شد و حفظ تاج و تخت از اهم وظایف دینی محسوب می شد... با چنین وضعی کسی را یارای انتقاد و مخالفت نبود. (همان: ۳۱)

اگر چه ورود مردم به صحنه سیاسی در ابتدا صرفاً جنبه اعتراضی داشت، اما در ادامه مبارزات، خواست های اساسی تری چون آزادی، حاکمیت قانون، مهار قدرت مطلقه شاه و مشارکت عمومی جلوه گری کرد که تنها می توانست در آغوش مشروطیت متولد شود.

«در جامعه استبداد زده ایران در عصر قاجاریه، اندیشه آزادی و آزادی خواهی یکی از مهمترین اهداف و مطالبات مخالفان حکومت استبدادی مطلقه قاجاریه بود. آزادی خواهی ویژگی و هدف مشترکی بود که با درجات متفاوتی، همه گروه های مختلف اجتماعی مخالف استبداد مطلقه قاجاریه را در بر گرفته بود. اما باید این واقعیت را در نظر گرفت که مواضع گروه های مختلف مشهور به آزادی خواه درباره ماهیت و مفهوم آزادی و گستردگی و عمق آن، از تفاوت ها و گاه تضادهایی نیز برخوردار بود.» (آجدانی، ۱۳۸۵: ۶۹)

در دوران سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه و از همان آغاز کار وی و حتی پیش از آن، عوامل و اسبابی پدید آمد که موجب پیدایی اندیشه های آزادی خواهی شد. در ذکر شماری از این عوامل، می توان به اقدامات عباس میرزا نایب السلطنه، ترویج صنایع و فنون جدید به همت میرزا ابوالقاسم قائم مقام، اصلاحات دلسوزانه و عالمانه امیرکبیر، تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ه.ق.، اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشور جهت فراگیری علوم و فنون جدید، تأسیس چاپخانه و گسترش صنعت چاپ، انتشار روزنامه و آشنایی با افکار اروپاییان و مسائلی از این نوع اشاره کرد. فرمان مشروطیت که در چهاردهم جمادی الآخر سال ۱۳۲۴ ه.ق. به امضای مظفرالدین شاه رسید، در حقیقت دستاورد نهضتی بود که قبل از آن بر اثر بیداری ایرانیان به موجب عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی ایجاد شده بود. نخست این پیش آمد موجب شد که بانگ نارضایتی مردم از گوشه و کنار در تهران و شهرهای بزرگ بلند شود.

«با شکل گیری نهضت مشروطیت در ایران و افزایش هیجانات و تکاپوهای ضد استبدادی علیه حکومت قاجاریه و گسترش شکل گیری فعالیت های انجمن ها، احزاب و تشکل های سیاسی مخفی، نیمه مخفی و علنی، و نیز افزایش روزنامه ها و نشریات تجدیدطلب ایرانی، روند آزادی خواهی در جامعه ایران وارد مرحله جدیدی شد. اندیشه و آرمان آزادی و آزادی خواهی تبدیل به یکی از مهمترین اصول و اهداف نهضت مشروطیت ایران و از اصلی ترین مفاهیمی شد که افزایش چالش های میان سنت گرایان و تجدید طلبان و گسترش منازعات گروه های مختلف اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در عصر مشروطیت را به دنبال داشت.» (آجدانی، ۱۳۸۵: ۷۷ و ۷۸)

جنبش مشروطه طلبی می خواست قدرت را محدود کند تا بدین وسیله سلطنت در چارچوب قانون باشد و از قدرت مطلقه سلطنت که موجب ظلم و فساد برآمده از آن در جامعه می شود، جلوگیری شود. این جنبش می خواست مردم نمایندگان خود را انتخاب کنند تا آنها کارگزاران اجرایی را منصوب و بر فعالیت های آنان نیز نظارت کنند. تفکیک قوا به رسمیت شناخته شود و قوه قضائیه بر این اساس، به صورت نهادی مستقل عمل کند.

«در این شیوه از تفکر، روشنفکران عصر قاجاریه و مشروطیت، دولتی را به رسمیت می شناختند که بر مبنای قانون شکل گیرد و عمل کند و نهادهای اجتماعی و سیاسی آن برخاسته از اراده عمومی و حاکمیت ملی در مفهوم جدید آن باشد. مبنای مشروعیت حکومت ها دگرگون شد. دیگر حقانیت و مشروعیت حکومت وابسته به موروثی بودن یا حق حاکمیت الهی نبود، بلکه ریشه در نوعی قرارداد اجتماعی داشت. نارضایتی از حکومت سلطنت استبدادی مطلقه و کارکرد های آن در جامعه ایران عصر قاجاریه را می توان با درجات متفاوتی در افکار و آثار همه نوگرایان دارای تمایلات روشنفکرانه عصر قاجاریه و مشروطیت به روشنی بازجست.» (همان: ۴۰)

با برپایی مشروطه در جامعه ایران تحولات شگرفی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه به وجود آمد. ایجاد بنیادهای جدید و روابط جدید فرهنگی، فصل نویی را در زندگی ایرانیان گشود و آنها را با مفاهیمی تازه روبرو کرد.

«برپایی نظام مشروطه پایه های حکومت استبدادی را لرزاند و زمینه را برای پیدایش موسسه های نوین سیاسی آماده ساخت. مجلس شورای ملی گشوده شد؛ انجمن های ایالتی و ولایتی به کار پرداختند؛ انجمن های سیاسی ابتدا در شهرها و سپس روستاها پدید آمدند و روزنامه ها زندگی تازه ای را آغاز کردند.» (یزدانی، ۱۳۸۶: ۵۱)

۱.۲. اجتماعی و اقتصادی

در این زمان آگاهی سیاسی در جامعه ایران به دلیل تلاش های فکری روحانیان و روشنفکران و افزایش ارتباطات فرهنگی با جهان خارج و انتشار روزنامه‌ها که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شد و همچنین انتشار غیر رسمی، ولی گسترده آثار سیاسی-انتقادی، رشد چشمگیری یافته بود و مردم با مفاهیم مجلس، مشروطیت و آزادی آشنا شده بودند و همچنین مراجع نجف از جمله میرزای نائینی با استناد به متون مذهبی به مخالفت با نفوذ بیگانه، استبداد و ظلم و ستم قاجاری برخاستند و توده مردم را علیه دولت برانگیختند. مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه برای کار نیز در بالا بردن آگاهی سیاسی مردم مؤثر بود.

نهضت مشروطه، حادثه اجتماعی مهمی بود که موجب تغییری ژرف در افکار ایرانیان شد. این واقعه از دو جنبه تأثیر خویش را آشکار کرد: نخست آنکه خواندن و نوشتن که تا آن زمان تنها متعلق به طبقه اعیان و اشراف بود بر اثر مشروطه خواهی، عمومی شد و ایجاد مدارس که قبل از مشروطه شروع شده بود، گسترش یافت و چاپ روزنامه های گوناگون و انتشار مقالات سیاسی و اجتماعی، ذهن مردم را با این امور آشنا کرد و همین آشنایی، سبب به وجود آمدن نیازهای ادبی گردید. همچنین تمام کسانی که روزنامه می خواندند مانند مستوفیان، ادبا و دبیران قدیم، در فنون ادب مهارت نداشتند و به همین دلیل، خواهان ادبیاتی بودند که فهمش برای آنان میسر باشد و مضامین و معانی آن با زندگی شان تناسب داشته باشد.

پیشاهنگان آشنایی با فرهنگ و تمدن و دانش ممالک مغرب زمین در کشورهای اسلامی اغلب تحصیل کردگان و روشنفکران دینی یا غیر دینی و یا برخی حاکمان با تدبیر بوده اند؛ کسانی که مردم از دریچه همت و تلاش آنان با مظاهر تمدن و علوم غرب آشنا شدند. به تدریج جامعه دچار دگرگونی می شد. گویا جامعه آن دوران به آرامی پوسته خود را می شکافت و سر بیرون می آورد و ناظر چیزهایی بود که تا کنون ندیده بود.

از گوشه و کنار تحت تأثیر تحولات اقتصادی و نفوذ افکار مرفقی سر و صداهایی زودگذر، ناآگاهانه و مبهم و مغشوش به گوش می رسید... با وجود تکفیر حجت الاسلام ها و فشار دستگاه دولتی تعداد مدارس و روزنامه های شخصی در سراسر ایران رو به افزونی می نهاد، مردم با ولعی تمام به افکار نو و مرفقی رو می آوردند، نشریات را دست به دست می گرداندند و در توسعه و رونق مدارس شوری بی سابقه نشان می دادند، درباره مسائل روزمره زندگی بحث و اظهار نظر می کردند و طرفی انتخاب می نمودند. مسائلی که سابقاً به هیچ وجه مورد توجه

نبود و یا نمی توانست تأثیری داشته باشد، اینک نظرها را به خود جلب می کرد و تأثیر کلی داشت. آشکار بود که اجتماع کهن در حال از جا کندن است.» (مؤمنی، ۱۳۵۷: ۸۰ و ۸۱)

نهضت مشروطه از جهت فرهنگی دو تأثیر چشم گیر داشت. اول رواج مطبوعات که پیش از آن بسیار محدود بود و اغلب در بیرون مرزهای ایران منتشر می شد و دوم گسترش سوادآموزی که تا پیش از مشروطیت منحصر به طبقه خواص یعنی طبقه شاهزادگان اعیان و مستوفیان از یک سو و طبقه روحانیون از سوی دیگر بود.

از علل اقتصادی مؤثر در این دوره می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. آغاز بحران اقتصادی دولت قاجار بعد از شکست در جنگ های ایران و روس،
۲. از دست رفتن مناطق حاصل خیز با عهدنامه های ترکمانچای و گلستان،
۳. اعطای امتیازات تجاری خاص به بیگانگان که سبب انحطاط سریع اقتصاد داخلی گردید،
۴. عدم حمایت دولت از صنایع داخلی و واردات بی رویه کالاها که سبب از بین رفتن صنایع کوچک داخلی می گردید مثل صنعت نساجی که با ورود پارچه های انگلیسی از بین رفت،
۵. عدم رونق کشاورزی به دلیل فقدان راه های مطمئن،
۶. سختی مبادله اقتصادی و کاهش قیمت محصولات کشاورزی،
۷. ترغیب انگلیسی ها به کاشت تریاک به جای محصولات کشاورزی،
۸. قحطی های متعدد که هر چند سال یک بار تعدادی از مردم را به کشتن می داد،
۹. مشکل نان در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و دوران سلطنت مظفرالدین شاه،
۱۰. کاهش ارزش پول ایران به دلیل ضعف دولت و کاهش ارزش جهانی نقره،
۱۱. کاهش بهای مواد صادراتی ایران

۱۲. و...

با توجه به مشکلات اقتصادی یاد شده دولت برای تأمین هزینه های خود به افزایش مالیات، فروش مناسب و مقامات دولتی، اعطای امتیازات و استقراض از بانک های خارجی روی آورد که نارضایتی

های بیشتری در پی داشت. از سوی دیگر، تشریفات دربار و سفرهای پر هزینه شاه خشم مردم را برانگیخت.

در مجموع می‌بایست از لحاظ اقتصادی جامعه ایرانی قبل از مشروطه را ناامن، توأم با مالکیت دولتی، فقدان مالکیت خصوصی، اقتصاد معیشتی، فقدان مازاد تولید، عدم شکل‌گیری انباشت سرمایه، نبود دیدگاه کلان‌محور و برنامه‌ریزی اقتصادی، فقدان صنعت و فقدان نیروهای اقتصادی مستقل و توانمند توصیف نمود.

از نظر اجتماعی نیز می‌بایست جامعه سنتی ایران را تا قبل از مشروطه در چارچوب ساختار عشیره‌ای و قبیله‌ای تحلیل نمود. نظامی که در سراسر کشور از طریق تکثر زبانی، خونی، نژادی، مذهبی و رفتاری متصلب، مجموعه واحدی به نام ایران را شکل می‌داد. با وجود ۲۰ درصد شهرنشینانی و ۸۰ درصد روستا‌نشینانی می‌توان گفت که اکثریت شهرنشینان و روستاییان نیز پایگاه و فرهنگ قبیله‌ای داشتند.» (رهبری، ۱۳۷۸: ۳۸)

۳.۱. تاریخ

در سال ۱۲۶۸ ه.ق. ناصرالدین شاه امتیاز انحصار تجارت توتون و تنباکو در ایران را به یک تاجر انگلیسی تفویض کرد و این عمل از جهات مختلف عدم رضایت روزافزون مردم را بیشتر کرد. کسبه و بازرگانان و بعضی رجال دولت و مجتهدان که در راس آنان مرحوم میرزای شیرازی بود علیه این اقدام اعتراض کردند و آن قدر در این کار کوشیدند که شاه قرارداد را ملغی ساخت. این نخستین حرکت ملت ایران بود که هسته‌های جنبش بزرگ مردم را برای تغییر رژیم به وجود آورد. کشته شدن ناصرالدین شاه در حرم حضرت عبدالعظیم به دست میرزا رضای کرمانی حرکتی دیگر در این جهت به وجود آورد.

این نارضایتی‌ها در دوران سلطنت مظفرالدین شاه نیز ادامه داشت. با اینکه عین‌الدوله در دوران صدرانش در دوران مظفرالدین شاه، در آغاز به آزادی خواهان روی خوش نشان داد، از جمله ورود روزنامه حبل‌المتین را به ایران آزاد کرد، برادر مؤیدالاسلام مدیر روزنامه را از زندان آزاد کرد، شیخ محبی کاشانی نویسنده مقاله حبل‌المتین را که در اردبیل محبوس بود رها ساخت، ولی سرانجام خودرأیی او از یک سو و مخالفت وی با بعضی روحانیون از سوی دیگر کار را تا آنجا کشید که دست به تبعید عده‌ای از علما زد و مجدداً بانگ شکوه و اعتراض مردم را بلند ساخت. سرانجام گروهی از

تجّار و کسبه و طلاب علوم دینی به عنوان اعتراض به وضع حکومت و مظالم عین الدوله (صدر اعظم وقت) در مسجد شاه تهران اجتماع کردند و در آنجا با مقاومت هایی روبه رو شدند و سرانجام به حضرت عبدالعظیم رفتند و تحصن گزیدند و از شاه برکناری صدراعظم را تقاضا کردند. بیماری شاه و بداندیشی اطرافیان وی خشونت و تعدی عین الدوله را نسبت به مردم بیش از پیش ساخت و اعتراض مردم بیشتر شد و موجب هجرت علما به قم شد. گروهی از کسبه و بازرگانان تهران هم در سفارت انگلیس تحصن کردند و خواستار عزل عین الدوله و بازگشت علما به تهران و بالأخره تأسیس عدالت خانه و قصاص قاتلان مردم و رفع موانع بازگشت تبعیدشدگان شدند. (ر.ک. آرین پور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۳)

این اعتراضات سرانجام به تشکیل مجلس شورای ملی منتهی گردید. در روز ۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ ه.ش. مطابق با ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ ه.ق. مظفردالدین شاه عین الدوله را برکنار ساخت و فرمان حکومت مشروطه و فرمان تأسیس مجلس شورای ملی را امضا کرد که مفاد آن بلافاصله در تهران و دیگر نقاط انتشار یافت. (ر.ک. کسروی، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

«چون فرمان مشروطه بیرون آمد و آن را چاپ کرده و به دیوارها چسبانیدند، کوشندگان آن را نپسندیده و با خواست خود سازگار ندیدند... زیرا در آن نام توده (ملت) برده نشد.» (همان: ۱۲۰)

بنابراین شاه فردای آن روز دستخط دیگری در تأیید فرمان مشروطه صادر نمود. در این فرمان امر صریح نسبت به تأسیس مجلس منتخبین ملت داده شده بود. و چون از پاره ای جهات مفاد فرمان مبهم و تردیدآمیز بود، دو روز بعد مظفردالدین شاه برای تکمیل فرمان و جلب رضایت آزادی خواهان در نامه ای که به صدراعظم نوشت، تشکیل مجلس شورای ملی را با تکیه بر نام توده ملت مورد تأسیس قرار داد و موجبات دلگرمی مردم و آزادی خواهان را فراهم ساخت. مهاجران نیز از قم و حضرت عبدالعظیم به تهران بازگشتند و روز شنبه بیست و ششم مرداد، ۲۷ جمادی الثانیه در عمارت مدرسه نظام مجلس موقتی برای تنظیم نظامنامه انتخابات تشکیل شد و علی رغم تلاش همه جانبه دشمنان آزادی اولین مجلس شورای ملی در تهران با حضور نمایندگان تهران و تعداد کمی از نمایندگان ولایات که انتخابات بطور صنفی و طبقاتی انجام گرفته بود، در ماه شعبان افتتاح شد. (همان: ۱۲۰ و ۱۲۱) و در روز ۱۴ ذی القعدة، قانون اساسی مشروطیت ایران به امضای مظفردالدین شاه و محمدعلی میرزای ولیعهد رسید. در این میان حال و رفتار محمدعلی میرزا، خود انگیزه دیگری برای بیداری و بیزاری مردم می بود. «این مرد که پادشاه کشور خواستی بود؛ گرایش بسیار به روسیان از خود نشان می داد.» (همان: ۱۴۷)

در روز سوم آذر ماه همان سال، روزنامه مجلس در ۸ صفحه با چاپ سربی منتشر شد که علاوه بر اخبار داخلی و خارجی، کلیه مذاکرات مجلس شورای ملی هم در آن منعکس می گردید. مدیریت روزنامه مجلس به عهده سید محمد صادق طباطبایی و سردبیری آن هم به ادیب الممالک فراهانی سپرده شد. (ر.ک. همان: ۲۷۳)

مظفرالدین شاه در اوایل آذر ماه دچار بیماری شد و در پی این موضوع، شاه، محمدعلی میرزا ولیعهد را از تبریز به تهران احضار کرد. محمدعلی میرزا ولیعهد همراه چهارصد قزاق در روز بیست و پنجم آذر (یکم ذی القعدة) وارد تهران شد و زمام امور کشور را به دست گرفت. (ر.ک. کسروی، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۷) بیست و سه روز بعد (۱۸ دی ماه) مظفرالدین شاه قاجار در اثر بیماری در سن ۵۴ سالگی درگذشت و محمدعلی شاه در روز ۲۸ دی مطابق چهارم ذی الحجه ۱۳۲۴ هـ.ق. تاج گذاری کرد ولی در این جشن نمایندگان مجلس را دعوت نکرد و از همین زمان چنین به نظر رسید که شاه جدید با مشروطه قلباً موافق نیست. (ر.ک. همان: ۱۹۸ و ۲۰۲)

در اسفند ماه احمد میرزا فرزند دوم محمدعلی شاه به ولیعهدی تعیین شد. چندی نگذشت که امین السلطان به دستور محمدعلی شاه از اروپا به ایران آمد و مقام صدراعظمی یافت. روز شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۶ هـ.ش. اتابک به صدراعظمی منصوب گشت. (ر.ک. همان: ۲۵۵) در این میان مجلس سرگرم تدوین متمم قانون اساسی بود و مردم آذربایجان با نهایت بی صبری اتمام آن را مطالبه می کردند، ولی مجلس گرفتار دو دستگی شده بود. یک دسته از نمایندگان مشروطه را از شریعت جدا می داشتند و گروهی دیگر قانونی می خواستند که اساس آن بر شریعت استوار باشد. در روز سوم تیر سال ۱۲۸۶ حدود پانصد نفر از روحانیون به پیشوایی شیخ فضل الله نوری در حرم حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) تحصن کردند. این عده روند ایجاد مشروطه را خلاف دانسته و تقاضای حکومت مشروعه داشتند. از گوشه و کنار کشور نیز اعتراضات دیگری بر ضد حکومت محمدعلی شاه به گوش می رسید. (ر.ک. همان: ۲۸۹)

در روز هشتم شهریور (۲۱ رجب) همان سال وزیر مختار انگلیس قرارداد منعقد بین روس و انگلیس را در مورد تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ طی یادداشتی تسلیم وزارت امور خارجه کرد. این قرارداد مورد مخالفت و اعتراض گسترده گروه های مختلف قرار گرفت. همان شب اتابک رئیس الوزراء به دست عباس آقا تبریزی در بهارستان کشته شد و به شائبه های بیشتری دامن زد. پس از او مشیرالسلطنه به ریاست وزراء منصوب گشت. (ر.ک. همان: ۴۴۵) ولی چندی نگذشت که محمدعلی شاه مخالفت خود را با مجلس آشکار ساخت و نمایندگان مجلس را به دربار خواست و عدم رضایت خود را از دخالت مجلس در امور قوه مجریه و وضع انجمن ها و نکات دیگر ابراز داشت و ضرب الاجلی را برای اصلاح این امور تعیین کرد. ولی مجلس مقاومت نشان داد و در ضمن از گیلان و قزوین تلگراف هایی به حمایت از مشروطیت به تهران رسید.

در روز یکشنبه بیست و سوم آذر ماه مطابق با نهم ذی القعدة ۱۳۲۵ هـ.ق. عده ای از طرفداران استبداد و مخالفین مشروطه به تحریک محمدعلی شاه در میدان توپخانه تهران دست به تظاهرات زدند و سپس به مجلس حمله بردند. بین آنها و محافظین مجلس کار به تیر اندازی کشید و عده زیادی از طرفین کشته و زخمی شدند. (ر.ک. همان: ۵۰۵) سرانجام، شاه در ۱۷ ذی القعدة ۱۳۲۵

سوگندنامه ای را در پشت قرآنی با خط خود نوشت و به مجلس فرستاد و این کار باعث رفع اختلاف گردید و مطالب به ولایات مخابره شد و کارها به طور موقت به حال عادی بازگشت. (ر.ک. کسروی، ۱۳۸۳: ۵۳۲) در بهمن ماه همان سال قانون مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده به تصویب مجلس رسید. (ر.ک: صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۸)

در روز ۸ اسفند ماه مطابق با ۲۵ محرم ۱۳۲۶ ه.ق. محمدعلی شاه مورد سوء قصد قرار گرفت. هنگامی که شاه با کالسکه عازم دوشان تپه بود، نارنجکی در مقابلش منفجر گردید که چند تن از همراهان شاه کشته و چند تن زخمی گردیدند اما به شاه آسیبی نرسید. (ر.ک. کسروی، ۱۳۸۳: ۵۴۲) پس از سوء قصد و بالا گرفتن اختلافات، محمدعلی شاه در روز سیزدهم خرداد سال ۱۲۸۷ ه.ش. در باغشاه مستقر شد. و در پی آن نظم شهر تهران به پال کونیک لیاخوف روسی و قزاق ها سپرده شد. روز پنجشنبه ۱۴ خرداد ۱۲۸۷ ه.ش. دو فوج سوار از قزاقان روسی و عده ای دیگر به میدان توپخانه ریختند و مقدمات جنگی هولناک با آزادی خواهان و برانداختن مجلس فراهم شد. (ر.ک. همان: ۵۸۰) شاه پیامی به مجلس فرستاد و از اجتماع مردم و مسلح شدن آنها ابراز عدم رضایت کرد و از آنها خواست که مردم متفرق شوند و با گفت و گو مشکلات را مرتفع سازند. در پی این اقدام شهر تبریز برای حفظ مشروطه به جوش و خروش آمد و مجاهدان از هر طرف به شهر روی آوردند. (ر.ک. همان: ۵۹۷) روز بعد شاه اخراج هشت تن از مشروطه خواهان از آن جمله میرزا جهانگیرخان مدیر روزنامه صوراسرافیل، سیدمحمدرضا شیرازی مدیر روزنامه مساوات و ملک المتکلمین و آقا سیدجمال واعظ را خواستار گردید. فردای این روز، قزاقان و سربازان گرداگرد مجلس و مسجد سپهسالار را گرفتند و راه مردم را از آمد و شد بدین نقطه بستند و بالأخره حمله به مجلس و مجلسیان شروع گردید.

در روز بیست و هفتم خرداد ماه مهمات و توپخانه زیادی به باغشاه حمل شد، بازار تهران تعطیل شد و کسبه و تجار در اطراف بهارستان اجتماع کردند. در شهرهای اصفهان، تبریز و کرمان علیه حکومت مرکزی قیام کردند. (ر.ک. همان: ۶۱۰) چند روز بعد یعنی درست روز سی و یکم خرداد ماه، به دستور محمدعلی شاه از انتشار تمام روزنامه ها و جراید جلوگیری شد. (ر.ک. همان: ۶۲۲) سه روز بعد، از بامداد نیروی قزاق به فرماندهی روس ها اطراف مدرسه سپهسالار و مجلس را محاصره کردند. ای از مشروطه خواهان هم که به سلاح های گرم و سرد مسلح بودند، در طرف مقابل صف آرایی کردند. در نتیجه بین قوای قزاق و هواداران مشروطه جنگ در گرفت. به دستور کلنل لیاخوف نیروی کمکی وارد میدان جنگ شد و قوای قزاق مجلس را به توپ بست. مشروطه خواهان پس از ساعتی چند مقاومت در مقابل یورش قزاقان و توپخانه سنگین آنان ناگزیر به فرار و عقب نشینی شدند. (ر.ک. همان: ۶۳۳-۶۳۱) گروهی از جمله میرزا جهانگیرخان و ملک المتکلمین به دست قزاقان افتاده در باغشاه زندانی و سپس کشته شدند. (ر.ک. صدر هاشمی، ج ۱: ۲۴) تعداد زیادی از مجاهدین به شهادت رسیدند. این جنگ سیصد کشته، پانصد زخمی و غارت اموال مجلس را در پی داشت. عده زیادی از مشروطه خواهان از جمله سیدجمال واعظ با لباس مبدل از تهران فرار کردند و در روز سوم تیر ماه

یعنی فردای آن روز نیز میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوراسرافیل) ملک المتکلمین و سلطان العلمای خراسانی به طرز فجیعی در باغشاه اعدام شدند.

هرچند مشروطه خواهان در تهران سرکوب شدند، ولی ابتدا در تبریز و سپس در رشت مجدداً نهضت مشروطه خواهی آغاز شد. در تبریز جنگ سختی بین قوای دولتی و مجاهدین هواخواه مشروطه درگرفت. دولتیان از مجاهدان که به سرکردگی ستارخان و باقر خان با بیست و یک هزار مجاهد و بیست و پنج کرور فشنگ از تبریز برای هواداری مشروطیت سامان یافته بودند، در روز ۳۱ شهریور ماه شکست سختی خوردند. (ر.ک. کسروی، ۱۳۸۳: ۷۶۸) سپهسالار تنکابنی هم که برای تقویت عین الدوله رفته بود، از او کنار گرفت و به رشت بازگردید و اعلام آزادی خواهی کرد. از یک سو نیز سردار اسعد بختیاری با ایل بختیاری قیام کرد. این درگیری ها در سراسر کشور بین نیروهای دولتی و نیروهای معترض مردمی همچنان ادامه داشت از جمله اینکه در روز ۱۵ فروردین ۱۲۸۸ مجاهدان گیلانی در جنگ سختی با قوای دولتی موفق به فتح شهر قزوین شدند پس از فتوحات متعدد و در پی پیروزی در نبردهای سراسر کشور، مجاهدان قوای دولتی را شکست دادند. مجاهدان شبانه به دروازه بهجت آباد حمله ور شدند و پس از جنگ های شدید سه روزه در روز ۲۳ تیر ماه (۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ ه.ق.) به تهران وارد شدند. فاتحین، مدرسه سپهسالار - عمارت مجلس شورای ملی - را مرکز تجمع قرار داده و در تهران سنگربندی کردند. جنگ بین مجاهدان و قزاق ها بالا گرفت و عصر همان روز درگیری به نفع مجاهدان پایان یافت. (عابدی، ۱۳۷۹: ۱۶) بامداد ۲۵ تیر شاه همراه ولیعهد و همسر و نزدیکان در پناه پانصد قزاق به باغ سفارت روس در زرگنده وارد شد و قشون قزاق به سردستگی لیاخوف تسلیم گردید و آتش جنگ فرونشست در پی آن هیئتی مرکب از ۲۸ نفر از سرداران مجاهدین و بازرگانان و آزادی خواهان و درباریان متمایل به آزادی برای سقوط شاه و اداره امور تشکیل شد. این هیئت در اولین جلسه خود محمدعلی شاه را به علت پناهندگی در سفارت روس از سلطنت خلع و ولیعهد سیزده ساله او احمد میرزا را به سلطنت برگزید. عضدالملک رییس ایل قجر را نیز به نیابت سلطنت برگزیدند. (ر.ک. آرین پور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۹) در روز نهم مرداد ماه حاج شیخ فضل الله نوری طرفدار مشروطه مشروعه به حکم دادگاه در میدان توپخانه به دار آویخته شد. نه روز بعد محمدعلی میرزا به همراه خانواده ایران را به قصد روسیه ترک کرد و بدین ترتیب مجدداً مشروطیت در ایران استقرار یافت. «مجلس دوم در روز دوم ذیقعد ۱۳۲۷ ه.ق.، یک سال پس از بسته شدن مجلس اول با حضور شاه جوان گشایش یافت.» (همان)

پس از تشکیل مجلس دوم به مرور دخالت روس ها در امور داخلی ایران بیشتر می گردید. به طوری که در سال ۱۳۲۹ ه.ق. روس ها از حکومت ایران خواستند تا مورگان شوستر مستشار امریکایی را اخراج کند، اما مجلس ایران با این موضوع مخالفت کرد و مردم در تبریز و گیلان نیز در مقابل این امر ایستادگی کردند. در نهایت در محرم ۱۳۳۰ ه.ق. دولت ایران اولتیماتوم روس ها را پذیرفت «در